

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۱

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۶

تسلیم بودن در برابر حق؛ اخلاق مبنا در مواجهه با اصلاحات مهدوی

محمد جواد دانیالی^۱

چکیده

با توجه به روایات بسیاری از جمله روایات معتبر شیعه و نیز با توجه به تاریخ ادیان این مطلب به اثبات می‌رسد که در دوران پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام مانند دوران صدر اسلام، اسلام حقیقی به غربت مبتلا خواهد شد و آن چه حضرت حجت علیه السلام با ظهور خود به عنوان اسلام حقیقی عرضه می‌کند متفاوت از اسلام متعارف نزد مردم است. از این رو فرهنگ جامعه زمینه‌ساز باید به گونه‌ای باشد که در مواجهه با حقایق نوین ارائه شده، دچار تعصب و لجاجت نسبت به داشته‌های پیشین خود نشود. مهم‌ترین شاخصه برای تأمین این هدف در جامعه تقویت روحیه تسلیم در مقابل خداوند و حقیقت است. این رویکرد فرهنگی در برابر رویکردی قرار می‌گیرد که اولویت را به میراث گذشتگان می‌دهد.

واژگان کلیدی

زمان ظهور، دین جدید، تسلیم، اسلام، شاخصه فرهنگی جامعه.

۱. عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه سمنان (mjdaniali@semnan.ac.ir).

مقدمه

بررسی تاریخ ادیان نشان می‌دهد گذشت زمان و فاصله گرفتن از منشأ اصلی یک دین زمینه‌ساز بروز تغییر و تحولاتی در سنت آن دین است. مسیر مستقیم ارائه شده توسط رسول الهی، دیری نمی‌پاید که در انتقال از یک نسل به نسل دیگر دچار شکست‌هایی ناشی از تمایلات و اراده‌های بشری می‌شود. حج نماد توحید ناب ابراهیمی پس از گذشت چندی با حفظ ظاهر خود، تبدیل به عرصه‌ای برای عرضه بتان با پس‌زمینه غرور و غفلت از یاد خداوند یکتا می‌شود.^۱ نعمت‌های الهی عطا شده به بنی اسرائیل و برگزیدگی ایشان از طرف خدا به قساوت قلب ایشان منتهی می‌شود.^۲ حضور سراسر خیر و رحمت مسیح برای هدایت انسان، تبدیل به فرزند و عدلی در برابر خدای بی‌همتا می‌شود و این امر تا آنجا نکوهش الهی را بر می‌انگیزاند که قرآن برایشان مرگ می‌فرستد.^۳

یک جنبه تأثیرگذاری نقصان‌های بشری در دین الهی، خطا و اشتباهات انسان در فهم دین حقیقی است. وسعت و عمق این مشکل با گذشت زمان و افزایش فاصله از منشأ اصلی دین، به دلیل پیچیده شدن تطبیق شرایط نو با آموزه‌های دین و دشوارتر شدن فهم دین در عصری متفاوت از عصر نزول آن، بیشتر می‌شود. جنبه دیگر تأثیرگذاری انسان بر دین الهی در خودخواهی‌ها و شرارت‌های وی برای همراه کردن دین با خواسته‌های نفسانی صورت می‌گیرد. این جنبه نیز با گذشت زمان و انباشت تغییرات پیشین، انحرافات بیشتری را در دین رقم می‌زند.

البته اسلام به برکت حضور قرآن کریم و تلاش عالمان در حفظ روایات مفسر قرآن توانسته است تا حد زیادی از آسیب به اساس آموزه‌های دین جلوگیری کند؛ اما به هر حال ناتوانی در کشف برخی از احکام واقعی و معارف حقیقی اسلام را نمی‌توان منکر شد. هم جنبه ناتوانی در فهم و هم جنبه انباشت تأثیرات مغرضان، هرچند نسبت به ادیان دیگر بسیار کمتر، اما در هر صورت در عرصه دین نمود پیدا کرده است.

اصلاح انحرافات حاصل شده در آموزه‌های هر پیامبر عموماً به دست پیامبران پسین یا

۱. ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (انفال: ۳۵)

۲. ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾ (بقره: ۷۴)

۳. ﴿وَقَالَتِ الْنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِ قَاتِلِهِمُ اللَّهُ أَتَى

(توبه: ۳۰)

اوصیای ایشان صورت می گرفته است و بدین وسیله خورشید هدایت الهی پس از پرده نشینی موقت مجدداً سربرمی آورده است. روشن است اصلاح گری در اسلام نیز با ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام رخ خواهد داد. در ادامه روایات بسیاری را بررسی خواهیم کرد که گستردگی اصلاحات حضرت مهدی علیه السلام را که نشان از گستردگی انحرافات پدید آمده در اسلام تا زمان ظهور دارد، بیان کرده اند.

گستردگی اصلاحات حضرت مهدی علیه السلام از نگاه روایات

روایات بسیاری وجود دارد که اصلاحات زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام را در اسلام وسیع و گسترده توصیف می کنند. در روایتی در کتاب *معتبر تهذیب الاحکام* (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۱۵۴) با سند صحیح^۱ از امام باقر علیه السلام سیره حضرت مهدی علیه السلام در آغاز دوره ظهور به سیره پیامبر در آغاز آغاز ظهور اسلام تشبیه شده است. در این روایت محمد بن مسلم از بزرگ ترین راویان هم عصر با امام باقر علیه السلام از ایشان درباره سیره و سلوک حضرت مهدی علیه السلام در هنگام قیام سؤال می کند. امام در پاسخ می فرماید رفتار ایشان مانند رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام اظهار اسلام خواهد بود. سپس در پاسخ به سؤال مجدد محمد بن مسلم از چگونگی سیره پیامبر می فرماید:

آن چه در جاهلیت بود باطل کرد و با عدالت به مردم رو کرد و قائم علیه السلام نیز هنگامی که قیام کند آن چه که در میان مردم به عرف تبدیل شده است،^۲ باطل می کند و با عدالت با مردم مواجه می شود.^۳

در حقیقت روایت به این اشاره دارد که آن چه در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان دین متعارف شناخته می شود با دین حقیقی و عدالت مورد نظر ایشان متفاوت است و این

۱. راویان این روایت همگی به وصف امامی ثقة جلیل، یعنی بالاترین درجه وثاقت، در کتب رجالی توصیف شده اند.

مرحوم مجلسی نیز در شرح کتاب تهذیب این روایت را صحیح دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۹، ۴۰۹)

۲. معنای اصطلاحی «هدنه» سکون است. (عبدالرحمن، بی تا: ج ۳، ۴۵۰) طبق این معنا ترجمه به عرف اهل زمان که براساس آن زندگی شان سکون و ثبات پیدا کرده است صحیح است. اما معنای فقهی آن پیمان آتش بس است. در صورتی که این معنا را برای ترجمه روایت انتخاب کنیم، ترجمه آن بدین صورت می شود: «قائم علیه السلام تمام پیمان های آتش بس و صلح را از بین می برد» معنای اول به نظر صحیح تر می آید.

۳. محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن جعفر بن بشير و محمد بن عبدالله بن هلال عن العلاء بن رزين القلاء عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن القائم علیه السلام إذا قام بأى سيرة يسير فى الناس فقال بسيرة ما سار به - رسول الله صلی الله علیه و آله حتى يظهر الإسلام قلت و ما كانت سيرة رسول الله صلی الله علیه و آله قال أبطل ما كان فى الجاهلية و استقبل الناس بالعدل و كذلك القائم علیه السلام إذا قام يبطل ما كان فى الهدنة مما كان فى أیدی الناس و يستقبل بهم العدل.

دقیقاً به زمان ظهور اسلام شباهت دارد که دین غالب مردم هرچند متأثر از دین حضرت ابراهیم علیه السلام یا پیامبران پیشین دیگر بود، اما با دین حق تفاوت بسیاری داشت و عمده تلاش پیامبر اسلام در طول مدت رسالت، در تغییر دین متعارف و تبدیل آن به دین حق صرف شد. روایات بسیار دیگری نقل شده است که زمان ظهور را از جهت باطل کردن سنت‌های نادرست عارض شده بر دین، و معرفی حقایق تازه و نو مورد غفلت قرار گرفته، به رسالت پیامبر تشبیه نموده است. شیخ مفید در *ارشاد* و اربلی در *كشف الغممه* روایتی از ابو خدیجه به نقل از امام صادق علیه السلام به این معنا آورده‌اند:

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند امر جدیدی بیاورد، همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امر جدیدی دعوت کرد.^۱

این روایت را مفید و اربلی به صورت مرسل روایت کرده‌اند؛ اما کلینی در *کافی* با تفاوتی، همین روایت را با سند متصل و معتبر^۲ چنین نقل کرده است:

از ابو خدیجه روایت شده است که از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیده شد. ایشان فرمود: همه ما یکی پس از دیگری قائم به امر خداییم تا این که صاحب شمشیر بیاید. هنگامی که صاحب شمشیر بیاید امری غیر از آن چه بوده می‌آورد.^۳

روایت *کافی* به صراحت روایت *ارشاد* به آوردن امر جدید اشاره نکرده است اما همین که رویه امام مهدی علیه السلام را متفاوت از قبل بیان کرده است، نشان دهنده شدت تفاوت در امر ارائه شده توسط آن حضرت نسبت به پیش از ایشان است.

روایاتی نیز وجود دارد که علاوه بر عنوان کردن امر جدید، به کتاب جدید و سنت جدید نیز اشاره کرده‌اند. نعمانی در روایاتی از امام باقر علیه السلام عبارات زیر را نقل کرده است:

۱. و روی أبو خدیجة عن أبي عبدالله علیه السلام قال إذا قام القائم علیه السلام جاء بأمر جديد كما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله في بدو الإسلام إلى أمر جديد (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۴)

۲. کلینی این روایت را به نقل از حسین بن محمد الأشعری از معلى بن محمد از وشاء از أحمد بن عائذ از أبو خدیجه آورده است. راویان این روایت همگی قابل اعتماداند و در کتب رجالی به وثاقت توصیف شده‌اند. در میان راویان این حدیث معلى بن محمد طبق نظر نجاشی در حدیث و مذهب مضطرب بوده است اما عالمان رجال از جمله مرحوم خوئی معتقدند این نکته به وثاقت او خللی وارد نمی‌کند و سند روایات از جانب وی قابل اعتماد است. (خوئی، ۱۴۱۰: ج ۱۸، ۲۵۸)

۳. عن أبي عبدالله علیه السلام أنه سئل عن القائم فقال كلنا قائم بأمر الله واحد بعد واحد حتى يجيء صاحب السيف فإذا جاء صاحب السيف جاء بأمر غير الذي كان. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۲۶)

يقوم القائم بأمر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۳)؛
قائم با امری جدید و کتابی جدید و قضاوتی جدید قیام خواهد کرد.

يقوم بأمر جديد و سنة جديدة و قضاء جديد (همو: ۲۳۵)؛
به امری جدید و سنتی جدید و قضاوتی جدید قیام خواهد کرد.

إذا خرج يقوم بأمر جديد و كتاب جديد و سنة جديدة و قضاء جديد (همو: ۲۵۰)؛
هنگامی که خروج کند به امری جدید و کتابی جدید و سنتی جدید و قضاوتی جدید قیام خواهد کرد.

فوالله لكأني أنظر إليه بين الركن و المقام يبایع الناس بأمر جديد و كتاب جديد و سلطان جديد من السماء (همو: ۲۶۲)؛
قسم به خدا گویا به او می نگرم درحالی که بین رکن و مقام با مردم به امری جدید و کتابی جدید و براهینی جدید از آسمان بیعت می کند.

روشن است که آوردن امر جدید، کتاب جدید، سنت جدید و قضاوت جدید، نه به معنی آوردن مذهب جدید و کتاب آسمانی جدید، بلکه به این معنا است که پیش از ظهور آن چنان اسلام به خرافات، تحریف‌ها و تفسیرهای ناروا دچار شده است و چنان فهم مردم از قرآن متفاوت از حقیقت تأویل آن است که عرضه حقایق آنها کاملاً تازه و بدیع به نظر می‌رسد. پس آن چه تغییر می‌یابد حقیقت دین نیست، بلکه غرض آن است که دین در میان مردم مرده است و حضرت تعالیم فراموش شده اسلام و قوانین متروکه قرآن را به جریان می‌اندازد و آن را در جامعه پیاده می‌کند.

عبارت مشهور «الاسلام بدأ غریبا و سيعود غریبا» نیز هم معنا با روایات پیشین است. این عبارت در ضمن روایات بسیاری در کتب شیعه و سنی به فراوانی نقل شده است. این عبارت در ضمن روایت‌های مختلف در صحیح مسلم (مسلم، بی‌تا: ج ۱، ۹۰)، سنن ابن ماجه (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۲۰)، سنن ترمذی (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۱۲۹) و... از کتب اهل سنت و عیون اخبار الرضا، کمال الدین، الغیبه نعمانی و... از کتب شیعه آورده شده است. صدوق در کمال الدین این عبارت روایت را با دو سند متعدد و از دو امام نقل کرده است. سند هر دو روایت معتبر^۱ و یکی از

۱. اسناد دو روایت عبارتند از: (حدثنا جعفر بن علی بن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغیره الکوفی رضی الله عنه قال حدثنی جدی الحسن بن علی عن جده عبدالله بن المغیره عن إسماعیل بن مسلم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبیه عن آبائه عن علی عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ) و (حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی العمری السمرقندی رضی الله عنه قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود عن أبیه محمد بن مسعود عن جعفر بن أحمد

امام صادق علیه السلام و دیگری از امام رضا علیه السلام می‌باشد. این روایات هر دو به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منتهی می‌شوند که فرموده است:

إن الإسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً فطوبى للغرباء (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۱):
اسلام غریبانه شروع شد و غریبانه باز خواهد گشت پس خوشا بر غریبان.

نعمانی در الغیبه خود همین عبارت را در ضمن روایتی از امام باقر علیه السلام پس از بیان تفصیلی از حضرت نقل کرده است که فرموده‌اند:

إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وإن الإسلام بدأ...^۱
همانا هنگامی که قائم ما قیام کند مانند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به امر جدیدی دعوت می‌کند و همانا اسلام غریبانه شروع شد... .

در همین کتاب در دو روایت دیگر با سه سند گوناگون و عباراتی شبیه به یکدیگر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست ابوبصیر از حضرت برای شرح عبارت «اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت» فرموده است:

همانند دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حضرت قائم علیه السلام نیز دعوت جدیدی عرضه خواهد کرد.

راویان موجود در سند یکی از این روایات که به طور مسند نقل شده است جز محمد بن سنان همگی قابل اعتماداند. درباره وثاقت محمد بن سنان اختلاف بسیاری در کتب رجالی وجود دارد؛ برخی او را غیرقابل اعتماد دانسته‌اند و برخی از روایات، او را از اشخاص نزدیک به ائمه شمرده‌اند. البته مرحوم خویی در معجم رجال خود پس از بررسی اقوال مختلف به وثاقت وی رأی داده است (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۶، ۱۶۱). بنابراین طبق نظر مرحوم خویی، خصوصاً با توجه به این که روایات مشابهی نیز نقل شده است، می‌توان این روایت را معتبر دانست.

در این روایت محمد بن سنان از ابی بصیر چنین نقل کرده است:

العمرکی بن علی البوفکی عن الحسن بن علی بن فضال عن علی بن موسی الرضا عن أبيه موسی بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علی عن أبيه علی بن الحسين عن أبيه الحسين بن علی عن أبيه علی بن أبي طالب علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۱. حدثنا أحمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال حدثني علی بن الحسن التيملي قال حدثني أخوای محمد و أحمد ابنا الحسن عن أبيهما عن ثعلبة بن ميمون و عن جميع الكناسی جميعاً عن أبي بصير عن كامل عن أبي جعفر علیه السلام أنه قال: إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وإن الإسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً كما بدأ فطوبى للغرباء (نعمانی؛ ۱۳۹۷ق: ۳۲۰)

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً كما بدأ فطوبى للغرباء
فقلت اشرح لي هذا أصلحك الله فقال يستأنف الداعي منا دعاءً جديداً كما دعا رسول
الله صلى الله عليه وآله (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۱)؛

امام صادق عليه السلام فرمود اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت همان گونه که آغاز
شد؛ پس خوشا به حال غریبان. من به حضرت عرض کردم خدا به شما خیر دهد این را
برایم شرح دهید؛ پس حضرت فرمود دعوت کننده ما دعوتی جدید از سر خواهد گرفت
همان گونه که رسول الله صلى الله عليه وآله دعوت کرد.

شرح مذکور در این روایات نشان می دهد مقصود از عبارت مشهور «بازگشت غریبانه اسلام»
ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با آموزه هایی است که نزد عموم مردم ناشناخته و غیرمنتظره است.
علاوه بر این، تشبیه این غربت به غربت صدر اسلام نشان از مخالفت عامه با این آموزه های
نوین دارد.

تذکر این نکته لازم است که تفاوت سیره و روش حضرت پس از ظهور، به معنای بی اعتباری
آن چه در زمان فعلی با تلاش علمی از دین به دست آمده است، نمی باشد. اجتهاد - به معنی
بذل وسع و توانایی برای شناسایی دین حق - تنها راهی است که انسان های عصر غیبت
معصوم برای دست یابی به وظایف دینی خود در اختیار دارند. به همین دلیل تفاوت دین
واقعی زمان ظهور حق با آن چه در عصر غیبت در اختیار انسان هاست نباید باعث سستی در
عمل به دین موجود شود.

توضیح دیگر این که از روایات متعدد استفاده می شود روش حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به دلیل عبور
از ظواهر و توجه به حقیقت و بطن واقع با روش دیگر اولیای دین متفاوت است.^۱ هر ولی ای از
اولیای الهی متناسب با شرایط زمانه خود عمل می کند و وظیفه هر بنده ای نیز متناسب با همان
شرایط تعریف می شود. بنابراین اطلاع از تفاوت دین حقیقی با دینی که اکنون بندگان موظف
به آن هستند، وظیفه فعلی ما را در عمل به آن چه در ظاهر به عنوان دین بدان رسیده ایم،
تغییر نمی دهد. ما مکلف به هر آن چه هستیم که مجتهدان و دین شناسان ربّانی از منابع در

۱. بعضی از روایاتی که بیان کننده روش متفاوت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه از دیگر اولیای الهی از جمله ائمه عجل الله تعالی فرجه است، عبارتند از: «روایت مذکور از امام صادق عليه السلام که فرمود همه ما یکی پس از دیگری قائم به امر خدایم تا این که صاحب شمشیر بیاید. هنگامی که صاحب شمشیر بیاید امری غیر از آن چه بوده می آورد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۳۶) و «روایت /رشاد که قضاوت حضرت را نه بر اساس بینة بلکه بر اساس حقایق دانسته است.» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۶)

اختیار خود به عنوان دین به ما معرفی می‌کنند و آن چه در این جا مورد اشاره قرار گرفته این است که با ظهور حضرت حجت علیه السلام حقایق اصلی دین به گونه‌ای ظاهر می‌شود که نسبت به پیش از آن گویا امر جدید، سنت جدید، کتاب جدید، براهین جدید و شیوه قضاوت جدید عرضه شده است.

شاخصه فرهنگی متناسب با اصلاحات گسترده

با توجه به مضمون روایات متعددی که در میان آن‌ها روایات معتبر نیز وجود دارد و نیز آن چه در بررسی مستقل تاریخ ادیان قابل فهم است، مهم‌ترین ویژگی مشترک دوران ظهور و دوران صدر اسلام، تغییرات و اصلاحات گسترده مصلح الهی در تمام امور به خصوص در دین داری مردم است. این روایات به نوعی بیان‌کننده این حقیقت است که دین متعارف در زمان ظهور به همان میزان از دین حق فاصله خواهد داشت که دین مردم دوران جاهلیت از اسلام حقیقی؛ این یعنی در هنگامه ظهور، جهان با حقایقی مواجه می‌شود که تاکنون آنها را حق نمی‌پنداشت و از آنها غافل بود.

آمادگی برای مواجهه با این ویژگی به اخلاق خاصی نیازمند است. اخلاقی که می‌توان آن را به عنوان «اخلاق مواجهه با دین حق» یا «اخلاق انتظار حقیقت» نامید. به عبارت دیگر برای این که انسان مهبیای حضور دین حق باشد نیازمند نوع خاصی از خودسازی است. به نظر می‌رسد این مفهوم کمتر در میان متفکران حوزه مهدویت مورد توجه قرار گرفته است. این نوع خاص از اخلاق را می‌توان، همانند روایات تشبیه‌کننده زمان ظهور اسلام به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به اخلاق مورد نیاز در هنگام ظهور اسلام تشبیه کرد.

روشن است که حجم عظیم تغییر و تحولات در شیوه‌های زندگی روزمره مردم، شکستن ساختارهای استوار ایدئولوژیک دینی و محو بسیاری از مظاهر دین‌داری که بسیاری از دین‌داران به آن‌ها خو گرفته‌اند، مخالفت‌های گسترده‌ای در میان دل‌بستگان به سنت‌های سابق، خصوصاً کسانی که از آن‌ها به نحوی از انحاء بهره‌منداند، به وجود خواهد آورد. پیشگیری و احتراز از چنین مقابله وسیعی به زمینه‌سازی فرهنگی و ترویج اخلاقی خاص نیازمند است.

حقیقتاً چه اخلاقی نیاز است که شخص و جامعه را در مواجهه با امری جدید، نسبت به آن چه پیش از آن به عنوان دین الهی شناخته می‌شد، از کفر و سرپیچی حفظ کند؟ چه

خصلتی در شاخص‌های فرهنگی یک جامعه، ایشان را از عصیان نسبت به تفسیرها و تأویل‌های نوینی که در زمان ظهور عرضه خواهد شد نجات خواهد داد؟ آیا جامعه‌ای که به سنت‌های گذشتگان خود دل بستگی و وابستگی تام و تمام داشته باشد، خواهد توانست در مواجهه با حقیقت جدیدی که در دوران ظهور عرضه خواهد شد به آسانی دل از پیشینیان و میراث ایشان بگذرد و فارغ از همه دل‌دادگی‌ها، مطیع محض حق شود؟ باید توجه داشت که دین حقیقی و آداب الهی غیر از سنت‌ها و میراث گذشتگان است. دین حقیقی انسان را از وابستگی کور به میراث فرهنگی باز می‌دارد و او را متوجه حقیقت عالم به دور از هرگونه دلبستگی شرک‌آمیز می‌کند.

با التفات به دوران صدر اسلام می‌توان چنین برداشت کرد که اولین و مستحکم‌ترین افراد در ایمان به حق نه سرشناس‌ترین دینداران و نه برجسته‌ترین مدعیان حمایت از پیامبر آخر الزمان در پیش از ظهور اسلام،^۱ بلکه حق‌طلب‌ترین و تسلیم‌ترین بندگان در مقابل حق و حقیقت بوده‌اند. البته چه بسا سرشناسان دینداری که تسلیم‌ترین‌ها در مقابل فرمان الهی باشند. به هر حال حق‌طلبی و تسلیم در مقابل حقیقت بارزترین و مؤثرترین ویژگی‌ای است که پذیرش حق را، هرچند نو و بدون سابقه باشد، در فرد و جامعه تضمین می‌کند.

قرآن و شاخصه جامعه پیش از ظهور حق

ویژگی‌های اخلاقی برشمرده شده در قرآن را می‌توان به دو دسته کلی پیشینی و پسینی نسبت به زمان ظهور اسلام تقسیم کرد؛ ویژگی‌های پیشینی خصوصیات آنند که وجود آنها در یک فرد او را به پذیرش دین حق می‌کشاند و ویژگی‌های پسینی خصوصیات آنند که پس از ظهور دین حق لازم‌الاجرا می‌شوند. ویژگی‌های اخلاقی پیشینی را می‌توان «اخلاقیات پیش از ظهور دین حق» عنوان داد. این ویژگی‌ها عموماً در قرآن در بیان خصوصیات اخلاقی کسانی بیان می‌شود که به واسطه این خصوصیات در مواجهه با حق آن را پذیرفته و ایمان آورده‌اند. به عبارت دیگر عناصر اخلاقی خاصی در قرآن به عنوان ویژگی‌هایی مطرح شده است که شخص را دارای قابلیت ایمان و هدایت می‌کنند. این ویژگی‌ها را می‌توان شاخص‌های

۱. در آیه ای از قرآن بیان می‌کند که کفار از اهل کتاب پیش از ظهور اسلام ادعای حمایت کامل از پیامبر آخر الزمان می‌کردند اما پس از بعثت خود از جدی‌ترین کفار در مقابل آن شدند: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (بقره: ۸۹)

اخلاقی‌ای دانست که پذیرش حقیقت نوین و دین جدید عرضه شده را در فرد و جامعه، زمینه‌سازی می‌کند.

همان اخلاقیاتی که در نظر قرآن افراد را به ایمان و اسلام عرضه شده توسط پیامبر ﷺ کشاند، در عصر ظهور حضرت مهدی ﷺ نیز افراد را به پذیرش امر جدید، تفسیر جدید و سنت جدید آن حضرت توفیق خواهد داد. این اخلاقیات را می‌توان اخلاقیات پیش دینی عنوان داد. این اخلاقیات را فارغ از اخلاقیات دینی می‌توان دید.

بررسی کامل این ویژگی‌ها مجال‌ی غیر از این مقاله می‌طلبد؛ اما مهم‌ترین، و به عبارتی، کلی‌ترین این ویژگی‌ها همان مشخصه تسلیم بودن در مقابل خداست. قرآن این ویژگی را در پاسخ به مسیحیان و یهودیان، که مدعی سعادت انحصاری هم‌کیشان خود بوده‌اند، چنین بیان کرده است:

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۱۱۲)؛

بلکه، هرکس که وجه خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار است، پس اجرش نزد خدا محفوظ است و ترس و نگرانی نداشته باشد.

به نظر می‌رسد بیان کلی این آیه و مقام بیان آن در مقابل مسیحیان و یهودیان که بر عناوین دینی خود پای می‌فشردند به خوبی نشان از اهمیت تسلیم در برابر خدا در مقایسه با دیگر اخلاقیات پسینی مسیحیت و یهودیت دارد.

عمومیت و فراگیری مفهوم تسلیم در سراسر قرآن روشن است. استشمام این مفهوم از جای جای کلام الهی تا آن جاست که نام دین خاتم و به عبارتی نام تمام ادیان الهی اسلام گذارده شده است.

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳)؛

آیا غیر از دین خدا را برگزینیم در حالی که هرکس در آسمان و زمین است از روی اطاعت یا کراهت تسلیم اوست و به سوی او باز می‌گردد.

مفهوم تسلیم را علاوه بر این که می‌توان به صورت یک مفهوم فرادینی در گفتگو میان ادیان مطرح کرد، هم‌چنین در مطالعات روانشناختی نیز قابل مطالعه و تحقیق است. این مفهوم را می‌توان در برخی پژوهش‌های علمی از جمله تحقیقاتی در مجله انجمن روانشناسی آمریکا

(مجله روانشناسی و الهیات) ملاحظه کرد (wong: ۲۰۰۰، ۱۴۹-۱۶۱). از این طریق مفهوم «تسلیم حق» یا «تسلیم خدا» بودن را می‌توان با به دست آوردن معیارهای قابل ارزیابی برای شناسایی آن و راهکارهای افزایش آن در فرد و جامعه از طریق مطالعات تطبیقی دینی و تجربی به عنوان غایت دین‌داری و نیز مهم‌ترین شاخصه جامعه زمینه‌ساز ظهور مورد توجه قرار داد.

نتیجه‌گیری

تأمل در ویژگی‌های دوران پیش از ظهور نشان می‌دهد که این دوران شباهت بسیاری با دوران پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ دارد. این شباهت از جهت خفای دین حق و شیوع باطل است. به عبارت دیگر همان قدر که در زمان ظهور اسلام دینداری انسان‌ها با حقایق عرضه شده توسط وحی متفاوت بود، در زمان ظهور امام عصر علیه السلام نیز دینداری انسان‌ها با حقایق عرضه شده توسط آن حضرت متفاوت خواهد بود. بنابراین دینداران متعصب یارای همراهی با این حقایق ناب را نخواهند داشت. همان چیزی که در دینداران متعصب زمان ظهور اسلام سراغ داریم.

از طرف دیگر در مراجعه به قرآن نشان از معرفی ویژگی‌های اخلاقی مربوط به زمان پیش از بعثت می‌بینیم. انسان‌هایی به دعوت انبیاء پاسخ مثبت می‌دهند که پیش از بعثت، اخلاق خاصی را داشته باشند. مهم‌ترین ویژگی اخلاقی افراد عصر پیش از ظهور حق که باعث می‌شود با ظهور حق به آن پاسخ مثبت دهند، تسلیم بودن در برابر خدا یا به عبارت دیگر تسلیم بودن در برابر حق است. این ویژگی جزئیات و نتایج دارد که در مقاله دیگری باید به آن پرداخت.

منابع

- ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن، دارالفكر، بيروت، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، سنن، دارالفكر، بيروت، ۱۴۰۳ق.
- حجاج، مسلم بن، صحیح مسلم، دارالفكر، بيروت، بی تا.
- خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، مركز نشر آثار شیعه قم، ۱۴۱۰ق.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامیه، تهران، دوم، ۱۳۹۵ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عبدالرحمن، محمود، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهيّة، دارالفضیلة، قاهرة، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول، ۱۴۰۶ق.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، اول، ۱۴۱۳ق.
- نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، اول، ۱۳۹۷ق.
- Wong-McDonald, Ana & Gorsuch, Richard L, Surrender to God: An additional coping style, Journal of Psychology and Theology, Vol 28(2), 2000